

فرایند تکرار در زبان لاری

حسین نجاری^۱ و شیما صدیقی^{*۲}

۱- استادیار فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

۲- کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

گاه گویشوران یک زبان برای رساندن مفهوم مورد نظر خود دست به واژه‌سازی می‌زنند و بر این اساس از قواعد و الگوهایی تبعیت می‌کنند که باعث ایجاد فرایندهایی موسوم به فرایندهای واژه‌سازی می‌شوند. فرایند تکرار نیز یکی از این فرایندها محسوب می‌شود که در اکثر زبان‌ها به کار می‌رود و با تکرار کامل یک واژه و یا تکرار تنها بخشی از یک واژه، کلمه‌ای جدید ساخته می‌شود. این پژوهش به بررسی فرایند تکرار در زبان لاری که یکی از زبان‌های جنوب شرقی ایران است و اصالتی بس کهن دارد، می‌پردازد و واژگانی که بر این اساس ساخته شده‌اند را از منظر الگوی ساخت واژه‌ای و معنا مورد بررسی قرار می‌دهد. واژگان، به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و سپس مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در این زبان که خود دارای ساختاری متفاوت می‌باشد هر دو نوع تکرار کامل و تکرار ناقص وجود دارد و هر یک به نوبه خود به شاخه‌های متفاوتی تقسیم می‌شوند، همچنین واژگانی نیز وجود دارند که نمی‌توان آن‌ها را به تنهایی به کار برد و در مواردی نیاز به یک همکرد دارند تا بتوانند در بافت یک جمله قرار گیرند.

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۲۴ شهریور ۹۷

پذیرش: ۱۰ شهریور ۹۸

واژه‌های کلیدی:

تکرار کامل

تکرار ناقص

زبان لاری

فرایند تکرار

فرایندهای واژه‌سازی

* نویسنده مسؤول

آدرس ایمیل: Sedighii.sh@gmail.com (شیما صدیقی)

۱. مقدمه

زبان لاری که جزء گروه گویش‌های جنوب شرقی ایران می‌باشد بازمانده زبان پهلوی اشکانی است و نزدیک به دو هزار سال است که در منطقه لارستان رواج دارد. این زبان دارای دستور زبان خاصی است که نخستین بار راماسکوپیچ دانشمند روسی در مورد آن تحقیق کرده است. از نظر محدوده جغرافیایی، لارستان از شمال و شمال غرب به شهرستان‌های زرین دشت و جهرم، از سمت غرب به شهرستان لامرد، از شمال شرق به شهرستان داراب و از شرق و جنوب شرقی به استان هرمزگان محدود می‌شود (خرم روز، ۱۳۹۰: ۲۳).

گویشوران هر زبان در هنگام احساس نیاز به واژه و به قیاس با واژگان دیگر دست به واژه‌سازی می‌زنند. ساختار هر یک از واژگان یک زبان می‌تواند دارای اصول و قوانینی باشد و تحت فرایندهای خاصی ساخته شده باشند که این فرایندها را فرایندهای واژه‌سازی گویند. فرایند تکرار یکی از این فرایندها است و در اکثر زبان‌ها کاربرد دارد به خصوص در زبان فارسی که بعد از فرایندهای اشتقاق و ترکیب، تقریباً بیشتر واژگان بر این اساس ساخته می‌شوند. زبان شناسان از مطالعه زبان‌های گوناگون به این نتیجه رسیده‌اند که فرایند تکرار علاوه بر انواع گوناگون ساختاری، دارای معانی و مفاهیم مختلفی نیز می‌باشد؛ برای نمونه تکرار در برخی زبان‌ها برای اسم‌سازی از فعل یا در تصریف فعل به کار می‌رود و مفهوم آینده، حال کامل و غیره را نشان می‌دهد مثلاً در زبان تاگالوگ^۱ از فعل mambasa «مطالعه کردن» صورت اسمی mambabasa «مطالعه»، از فعل sulat «نوشتن» واژه‌ای در مفهوم آینده susulat «خواهد نوشت» ساخته می‌شود (اسپنسر، ۱۹۹۱: ۱۳ و ۱۵۰). در زبان آگتا^۲ که یکی از زبان‌های فیلیپینی است از تکرار اسم takki «پا» واژه taktaki «پاها» ساخته می‌شود که بیانگر مفهوم جمع می‌باشد یا واژه dopdolu به معنای «کاملاً پر» که از صورت dolu «پر» در زبان ترکی و یا واژه díídií «بی‌نهایت خوب بودن» در زبان تایلندی که از واژه dii در معنای «خوب بودن» ساخته شده‌اند، مفهوم «افزایش و شدت» را می‌توان مشاهده کرد (کاتامبا، ۱۹۹۳: ۱۸۲ و ۱۸۶).

از فرایند تکرار نمونه‌هایی در زبان‌های باستانی چون سنسکریت و ایرانی باستان نیز دیده شده است؛ برای مثال در زبان سنسکریت ریشه gam- «رفتن» با تکرار همخوان به شکل jagam و یا واژه yamyamīti از ریشه yam- «نگه داشتن» که با تکرار هجا ساخته شده است (کولیکوو، ۲۰۰۵: ۴۳۲-۴۳۳). در زبان اوستایی نیز نمونه‌هایی از تکرار مشاهده شده است؛ مانند صورت

1. Tagalog

2. Agta

مضاعف شده *hišta-* از ریشه *stā-* «ایستادن» که با تکرار همخوان ساخته شده. در ارتباط با این نوع از تکرار همخوان باید گفت: هنگامی که *s* هندواروایی در واژه وجود داشته باشد، صورت مضاعف شده آن به همخوان *-h-* تبدیل می‌شود، نمونه دیگر می‌توان واژه *ja γār-* از ریشه *gar-* «بیدار شدن» را بیان کرد که با تکرار هجای *ga-* به صورت *ja-*، ساخته شده است (جکسون، ۱۹۶۸: ۱۳۶).

در فرایند تکرار، تمام یا بخشی از واژه پایه تکرار می‌شود و در بیشتر موارد واژه جدیدی با معنا و نقش دستوری متفاوت از واژه پایه می‌سازد. در صورتی که واژه‌ای با تکرار کامل پایه ساخته شود، آن را می‌توان تکرار کامل^۱ یا مرکب مکرر نامید که خود به مرکب مکرر افزوده و مرکب مکرر نافزوده تقسیم می‌شود؛ گاهی فرایند تکرار به جای آنکه واژه پایه را به طور کامل تکرار کند، تنها بخشی از آن را تکرار می‌کند که در این صورت آن را تکرار ناقص^۲ می‌نامند. آن بخش مکرری^۳ که در این فرایند می‌آید هویتی مستقل ندارد و در واقع فاقد معناست و هیچ‌گاه به تنهایی قابل استفاده نیست و همیشه به یک پایه نیاز دارد. به اعتقاد شقاقی وند مکرر، مفاهیمی از قبیل شدت، تأکید و مقوله‌سازی را به معنای واژه پایه می‌افزاید این وند به دلیل ساختار غیرقابل پیش‌بینی که دارد با وندهای اشتقاقی و تصریفی متفاوت است، زیرا اصلاً مشخص نیست که قرار است کدام بخش از واژه پایه تکرار شود همچنین می‌تواند قبل، بعد و یا میان واژه پایه قرار گیرد که در این صورت تکرار ناقص را به تکرار ناقص پیشوندی، تکرار ناقص پسوندی و تکرار ناقص میانی تقسیم می‌کند. این گروه از تکرار را در کتاب‌های دستور تحت عنوان اتباع ذکر می‌کنند و آن بخش مکرر که معنایی ندارد را مهمل می‌نامند (شقاقی، ۱۳۸۹: ۹۹ و ۱۰۰-۱۰۱). کلباسی معتقد است کلمات مرکب مکرر، واژگانی را شامل می‌شوند که «کلمه همراه با عنصر پیوند دهنده «و» یا بدون آن عیناً تکرار می‌شود و کلمه مکرر معمولاً اسم، صفت، قید، اسم صوت، صوت، ستاک حال فعل یا فعل می‌باشد و حاصل ترکیب؛ اسم، صفت، قید، اسم صوت یا صوت است و این واژگان اغلب محاوره‌ای هستند.» همچنین وی تکرار ناقص را با عنوان اتباع بیان می‌کند که یکی از اجزاء کلمه مرکب، بدون معنی است و یا در غیر معنای خود به کار رفته است که جزء اصلی را پایه و جزء بدون معنی را تابع می‌نامد و معمولاً نوعی شباهت آوایی با پایه دارد. همچنین وی بیان می‌دارد که اتباع اغلب مخصوص زبان محاوره است و در دستورهای فارسی آن را مهملات و یا ترکیبات عامیانه نامیده‌اند (کلباسی، ۱۳۸۷: ۶۶-۶۸).

1. Total Reduplication
2. Partial Reduplication
3. Reduplicant

۲. پیشینه پژوهش

تکرار کامل در نظریات گوناگون زبان شناسی مورد بررسی زیادی قرار گرفته است برای نمونه کیرچنر (۲۰۱۰) فرایند تکرار را براساس نظریه کمینگی تحلیل کرده، کاتامبا (۱۹۹۳) نیز به بحث دوگان سازی پرداخته است و آن‌ها را در گروه‌های دوگان‌سازی در قالب پیشوند، دوگان‌سازی در قالب پسوند، دوگان سازی داخلی و ... بررسی می‌کند. اینکلاس و زول (۲۰۰۵) نیز معتقدند که در فرایند تکرار همانندی معنایی مهم است و همانندی آوایی و واجی مطرح نیست. در ارتباط با فرایند تکرار در زبان فارسی و در مواردی گویش‌های ایرانی پژوهش‌های فراوانی صورت پذیرفته است که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود: شقاقی (۱۳۷۹) انواع تکواژ در فارسی را از حیث کامل و ناقص بودن بررسی کرده و آن‌ها را دسته‌بندی کرده است. وفایی و آلبوغبیش (۱۳۹۰) مقوله‌های تکرار کامل را در متون کلاسیک فارسی بررسی نموده و آن را به سه دسته همسان یا متوالی، ناقص و متباین تقسیم کرده است. به اعتقاد وی هدف از تکرار، در حوزه زبان ساخت واژه جدید است، اما در حوزه ادبیات این فرایند برای تأکید استفاده می‌شود. راسخ مهند (۱۳۸۸) به بررسی ویژگی‌های معنایی تکرار در زبان فارسی براساس دیدگاه «موراوچیک^۱»، «رژیه^۲» و «کاجیتانی^۳» پرداخته است. او ساخت‌ها و معانی را بررسی کرده و البته بدون جدا کردن تکرار ناقص از تکرار کامل، نمودار سلسله مراتب معنایی را برای هر دوی آن‌ها ارائه داده است. از دید او تکرار در طبقه حروف اضافه و سایر طبقات دستوری وجود ندارد. تکرار در مقولاتی چون اسم، فعل، صفت و قید دیده می‌شود. طبق داده‌های مورد تحلیل وی، تکرار اسم بیشترین مقدار و قید کم‌ترین را به خود اختصاص داده‌اند. در داده‌های «راسخ مهند» از تعداد ۱۵۹ مورد تکرار ۹۳ مورد اسم هستند که از این میان ۵۲ مورد تکرار کامل می‌باشند. براساس بررسی او در نیمی از ساخت‌های تکرار، تغییر مقوله صورت می‌گیرد. لازم به ذکر است که پیکره این پژوهش معرفی نشده است. شقاقی (۱۳۸۹) فرایند ساخت واژی را که در آن یک تکواژ به همان صورت تکرار می‌شود، فرایند دوگان‌سازی کامل می‌داند مانند «اندک اندک، رفته رفته» او فرایند دوگان‌سازی را فرایندی صرفی اشتقاقی می‌داند که در آن بعضی واژه‌ها با وند افزایی و بعضی دیگر با ترکیب واژه‌ها یا آمیزه‌ای از این دو روش ساخته می‌شوند سپس تکرار را

1. Moravcsik

2. Regier

3. Katijani

به دو نوع کامل و ناقص تقسیم می‌کند و فرایند تکرار کامل را دارای انواع افزوده و نافزوده می‌داند که تکرار کامل افزوده نیز شامل دو دسته افزوده میانی و پایانی می‌باشد و تکرار ناقص را به دو گروه تکرار ناقص پیشوندی و پسوندی دسته‌بندی می‌کند؛ همچنین معتقد است کلمه مکرر مفاهیمی چون شدت، تأکید، افزایش، تداوم، انبوهی و... را می‌رساند. شقاقی و حیدرپور (۱۳۹۰) فرایند تکرار را از دیدگاه نظریه بهینگی مورد بررسی قرار داده‌اند که نتایج حاصل از این مطالعه حاکی از آن است که با رتبه‌بندی محدودیت‌های جهانی مطرح در بهینگی می‌توان ساخت انواع فرایند تکرار در زبان فارسی را با توجه به الگوی خاص آن‌ها و معنایی که از آن‌ها برداشت می‌شود، تبیین کرد. راسخ مهند و محمدی‌راد (۱۳۹۲) به بررسی ویژگی‌های صوری و معنایی فرایند تکرار در کردی سورانی و مقایسه آن با فارسی می‌پردازند و به این نتیجه می‌رسند که از نظر ویژگی‌های صوری ساخت تکرار در هر دو زبان مانند هم هستند اما از نظر آوایی، میان دو زبان تفاوت‌هایی وجود دارد و از نظر ویژگی‌های معنایی، بسامد مفهوم افزایش کمیت در هر دو زبان بیشتر است. فیاضی (۱۳۹۲) واژگان مکرر گیلکی را با توجه به طبقه‌بندی حیدرپور بیدگلی (۱۳۹۰) به دو گروه تکرار کامل و تکرار ناقص تقسیم می‌کند و سپس به تحلیل آوایی هر گروه می‌پردازد. محمودی بختیاری و ذوالفقار کندی (۱۳۹۴) به بررسی دوگان سازهای کامل در لغت‌نامه دهخدا می‌پردازند و برخلاف راسخ مهند که معتقد است تکرار در مقوله قیدی کمتر از سایر مقوله‌ها می‌باشد، معتقدند بیشترین ساخت حاصل از فرایند تکرار کامل، بدون در نظر گرفتن اصوات که نمی‌توان آن‌ها را دارای ساخت دستوری دانست، قید هستند همچنین بیان می‌دارند که در زبان فارسی هم جزء معنادار و هم جزء بی‌معنا در ساخت تکرار وارد می‌شوند و هر دو می‌توانند برون داد معنایی داشته باشند مانند «جر جر» که از جزئی بی‌معنا ساخته شده اما برون داد معنایی آن «صدای سرخ شدن چیزی در روغن یا احساس سوزش شدید» می‌باشد و یا واژه «دور دور» که از ترکیب دو اسم ساخته شده و معنای «گردش و چرخش» را دارد. رضایی کیشه‌خاله و سلطانی (۱۳۹۴) به بررسی ساخت واژه‌ای، دستوری و معنایی ۱۵۰۰ واژه مکرر پرداخته‌اند که در بحث ساخت واژه الگوهای مختلف تکرار کامل و ناقص را ذکر کرده‌اند و با بررسی دستوری الگوها به این نتیجه رسیده‌اند که پایه‌های متعلق به طبقه‌های مختلف دستوری، در فرایند تکرار می‌توانند دچار تغییرات دستوری شوند. از نظر معنایی نیز با بررسی معانی مرکزی کلمات مکرر، مشخص می‌شود که الگوها از یک تا چندین معنای مرکزی در پایه‌های مختلف ایجاد می‌کنند

اما مرکزی‌ترین معنای واژگان مکرر در بیشتر موارد نوعی معنای ناپسند و تقلیل‌گرایانه و یا افزاینده است که در پس زمینه معنای ظاهری و مجازی تداعی می‌شود. همچنین به لحاظ سبکی نیز بیان می‌دارند که بسیاری از الگوهای تکرار کامل هم در زبان رسمی و هم در زبان عامیانه کاربرد دارد اما بیشتر الگوهای تکرار ناقص در زبان عامیانه رایج‌تر هستند. رضی‌نژاد و الله‌یاری (۱۳۹۵) به بررسی فرایند تکرار در زبان کردی برمبنای نظریه بهینگی می‌پردازند و آن‌ها را به دو دسته تکرار کامل و تکرار ناقص تقسیم می‌کنند و معتقدند که تحلیل هر یک از انواع تکرار محدودیت‌های خاص خود را در ساخت واژگانی می‌طلبد تا به برون‌داد بهینه که ساخت مورد قبول اهل زبان از نظر ساخت و معنای خاص آن است، برسند. دبیرمقدم و ملکی (۱۳۹۵) به بررسی ساختار و معنای فرایند تکرار کامل می‌پردازد و آن را براساس طبقه‌بندی شقاقی (۱۳۷۹ و ۱۳۸۹) به دو دسته تکرار کامل نافزوده و تکرار کامل افزوده تقسیم می‌کنند و آن‌ها را از نظر ساختاری و معنایی مورد بررسی قرار می‌دهند، همچنین معتقدند که به لحاظ ویژگی‌های معنایی، مفهوم کثرت از بسامد بالایی برخوردار است و با بررسی الگوها از نظر ساختار و معنا به این نتیجه رسیده‌اند که نحوه ترکیب در الگوها موجب تغییر صورت و معنا در این فرایند می‌شود. شیخ سنگ تجن (۱۳۹۶) انواع تکرار را براساس نظر کافمن (۲۰۱۵) در تالشی مورد بررسی قرار می‌دهد و به این نتیجه می‌رسد که علاوه بر تکرار کامل، تکرار ناقص و وزین نیز در میان داده‌ها وجود دارد و از نظر دستوری فراوانی مقوله اسم در واژه‌های مکرر بیشتر از سایر مقوله‌ها است همچنین در ارتباط با ساخت هجا نتایج خود را با فیاضی (۱۳۹۲) در گیلکی مطابق می‌داند جز اینکه ساختار واژه‌های دوهجایی بین گیلکی و تالشی متفاوت است.

غنی‌آبادی (۲۰۰۵) به فرایند تکرار موزون در فارسی محاوره‌ای با عنوان تکرار موزون اشاره می‌کند و به معنای حاصل از آن پرداخته است. همچنین غنی‌آبادی و دیگران (۲۰۰۶) براساس الگوی MDT اینکلاس و زول که فرایند تکرار را نوعی کپی‌سازی می‌دانند، تکرارهای زبان فارسی را براساس ساخت در این الگو مطرح کرده و به ۳ نوع طرح رسیده‌اند: تکرار انعکاسی^۱: کتاب متاب، تکرار شدتی^۲: سفید سفید (تکرارهایی که با حرف اضافه به هم متصل می‌شود)، تکرار بی‌تفاوت^۳: رفتن که رفتن (این حالت یا اضافه شدن «که» برای بیان بی‌تفاوتی به مفهومی که در

- 1 . Echo Reduplication
- 2 . Intensive Reduplication
- 3 . Indifference Reduplication

گزاره بیان شده است، با تکرار فعل حاصل می‌شود).

هدف این پژوهش، بررسی واژگان مکرر در زبان لاری است که به دو گروه تکرار کامل و تکرار ناقص تقسیم می‌شوند و در کنار ارائه الگوهای ساخت واژی برای هر واژه، از منظر معنایی نیز مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

قبل از شروع بحث اصلی لازم است به چند ویژگی اشاره شود:

- تلفظ واکه -ü- در زبان لاری همانند تلفظ -u- در زبان فرانسه می‌باشد (kü va kü).

- r بیانگر نوعی شدت در صامت r است (barra barrai).

- ow یکی از مصوت‌های مرکبی است که در زبان لاری به کار می‌رود و صدایی شبیه به —

او می‌دهد (xowramak xowramak).

- aa بیانگر نوعی -a- کشیده در واژه می‌باشد؛ در زبان لاری صامت -h- وجود ندارد، به

همین دلیل به جای -h- ماقبل مفتوح -a- کشیده به کار می‌رود (kakaal kakaal).

۳. تحلیل داده‌ها

فرایند تکرار در زبان لاری به دو دسته تکرار کامل و تکرار ناقص تقسیم می‌شود که در زیر نمونه‌هایی از آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است:

۳-۱. تکرار کامل

منظور از تکرار کامل، فرایندی است که از تکرار یک پایه ساخته می‌شود و خود به دو گروه تکرار کامل افزوده و تکرار کامل نوافزوده تقسیم می‌شود. هنگامی که علاوه بر تکرار کامل پایه، یک تکواژ دستوری میان دو پایه و یا پس از پایه دوم، در ساخت حضور داشته باشد تکرار کامل افزوده رخ داده است اما اگر تنها دو پایه در کنار هم تکرار شوند تکرار کامل نوافزوده گویند (شقایق، ۱۳۸۹: ۹۹).

۳-۱-۱. تکرار کامل افزوده

براساس آنچه پیش از این ذکر شد واژگانی که از تکرار پایه و تکواژ دستوری ساخته شده‌اند را تکرار کامل افزوده می‌نامند که بر اساس جایگاه و نوع تکواژ به دو ساخت زیر تقسیم می‌شوند: تکرار کامل افزوده میانی و تکرار کامل افزوده پایانی.

۳-۱-۱. تکرار کامل افزوده میانی

در این گروه پایه می‌تواند اسم، فعل، اسم صوت و یا صوت باشد که حاصل آن اسم یا صفت است و مفاهیم «شدت افزایشده، آشفتگی و بی‌نظمی، تعدد و بی‌شماری، تصغیر، انبوهی، ابهام، شمول، تأکید و تشبیه» را بیان می‌دارد.

• پایه + -o- + تکرار پایه

dango dang «صدایی که از فلز و امثال آن برمی‌خیزد»

• پایه + همخوان -v- + تکرار پایه

āya vāya «بی‌خانمان»

• پایه + -o- + همخوان -v- + تکرار پایه

ājō vāj «متحیر و میبهوت»، āko vāk «سرخ‌ی و شادابی پوست»

• پایه + va + تکرار پایه

kot va kot «سوراخ به سوراخ [پربدن]»، kü va kü «کوه به کوه»، gol va gol «متنوع

و گوناگون»، kara va kara «منزل به منزل، گاه به گاه»

• پایه + -o- + vā + تکرار پایه

zado vāzad «زاد و ولد»، šaxo vāšax «به این طرف و آن طرف جهیدن»

• پایه + -o- + همخوان -p- + تکرار پایه

axo pax «آب دهان و خلط سینه»

• پایه + -o- + همخوان -m- + تکرار پایه

oško mošk «استخوانی، ضعیف و لاغر»

• پایه + -o- + -ma- + تکرار پایه

tāro matār «پراکنده و از هم پاشیده، متفرق»

• پایه + ke + تکرار پایه

ču ke ču «رفت که رفت»، kat ke kat «افتاد که افتاد»، bode ke bode «شد که شد»

• تکرار پایه + بیناوند^۱ -ā- + پایه

bixā bix «سرتاسر»، lengā leng «دو لنگه کفش که اشتباه پوشیده شده باشند»

۱. از آنجایی که واژه bix bix و leng leng به تنهایی در زبان لاری به کار نمی‌روند و یک ریشه محسوب نمی‌شوند، واژه ā نوعی بیناوند محسوب می‌شود زیرا میان دو واژه قرار گرفته است.

۳-۱-۲. تکرار کامل افزوده پایانی

پایه در این گروه اسم، صفت، قید و یا اسم صوت/ نام آوا است که حاصل تکرار آن‌ها اسم، صفت و قید می‌باشد که در مفاهیم «شدت، تأکید، بیان کیفیت، تقلیل، توالی و استمرار، نوع، توصیف حالت روحی و روانی فرد، تدریج، انبوهی و کثرت، تضعیف و تصغیر» به کار رفته‌اند.

• پایه + تکرار پایه + واکه -a-

xer xera «خرخره»

• پایه + تکرار پایه + واکه -ü-

barra barrai «هوای تاریک و روشن»، petak petakü «کم و بی مقدار، اندک»، tak takü «قطره قطره»، takal takalü «لحظه به لحظه»، tomb tombü «تپه و ماهور»، jar jari «کسی که دائم دعوا می‌کند»، xer xerü «استخوان غضروفی گلو که از جلوی گردن نمایان است»، sem semü «باران ریز و کم»، feng fengü «کسی که هنگام صحبت کردن باد در بینی اندازد»، fük fükü «سوت سوتک بچه‌ها»، fik fikü «سوت سوتک بچه‌ها؛ کسی که دائم غمگین است و چشمان نمناک دارد و می‌نالد»، kol kolü «پرش با یک پا»، kam kamü «کم کم، اندک اندک»، lok lokü «به مقدار زیاد»، nek nekü «کسی که دائم نق می‌زند»، ter terü «کسی که مبتلا به اسهال است، آبکی و مایع»

• پایه + تکرار پایه + واکه -i-

palang palangi «دارای رنگ سفید و سیاه یا قهوه‌ای و سفید»، jar jari «کسی که دائم دعوا می‌کند»، pex pexi «کسی که دائما صحبت می‌کند و ناراحت است»، sok soki «کسی که زیاد نق می‌زند و وسواس دارد»، fong fongi «آدم احمق»، kor kori «کسی که پرحرف و ایراد گیر است»، kalak kalaki «سوراخ سوراخ»، kal kali «کسی که پشت سر هم و غالب اوقات عدم رضایت خود را اظهار می‌دارد و از هر کاری مواخذه می‌کند»، kel keli «پر چین و شکن در موی سر و لباس»، gam gami «پارچه دوخته شده که دوخت آن درشت باشد»، lom lomi «کسی که عیب‌جو و خورده‌گیر است»، morong morongi «کسی که طبق عادت معترض و عیب‌جو است»، mok moki «کسی که پر حرف و ایرادگیر است»، vik viki «کسی که از روی ضعف و ناتوانی سخن می‌گوید»، tap tapi «نوعی نان خانگی»

* در بعضی موارد پسوند -ü- و -i- در کلمات لاری، صفت فاعلی می‌سازد، برای مثال واژگانی چون jar jari «کسی که دائم دعوا می‌کند»، feng fengü «کسی که هنگام صحبت کردن باد

در بینی اندازد»، nek nekü «کسی که دائم نق می‌زند» و یا واژگان jar jari «کسی که دائم دعوا می‌کند»، pex pexi «کسی که دائما صحبت می‌کند و ناراحت است»، sok soki «کسی که زیاد نق می‌زند»، kor kori «کسی که پرحرف و ایرادگیر است» و ... در فارسی واژگانی چون نق نقو، غرغو و یا جیغ جیغو نیز اشاره به این مورد دارند.

• پایه + تکرار پایه + -akü-

fal falakü «پروانه، بادبادک کاغذی»

• پایه + تکرار پایه + -ena-

xār xārena «ناصاف و دارای برجستگی‌های برنده»

۳-۱-۱-۳- تکرار کامل افزوده میانی و پایانی با تکواژ دستوری

در این قسمت تکواژ دستوری هم در میان پایه و واژه مکرر و هم در پایان آن قرار می‌گیرد. در این گروه اسم و نام آوا به صورت پایه قرار می‌گیرد که صفت می‌سازند و دو مفهوم «تردید و توالی» را بیان می‌دارند.

• پایه + -va- + تکرار پایه + واکه -i-

del va deli «تردید»

• پایه + -o- + تکرار پایه + واکه -ü-

voro vorü «پشت سر هم»

۳-۱-۲- تکرار کامل نافزوده

این نوع از تکرار خود به گروه‌های تکرار اسم، تکرار صفت، تکرار قید و تکرار اسم صوت/ نام آوا تقسیم می‌شود که می‌توانند اسم، صفت، قید و اسم صوت/ نام آوا بسازند.

۳-۱-۲-۱- تکرار اسم

anjol anjol «پارچه پر از چین و چروک»، bor bor «گله گله»، bayla bayla «گروه گروه»، tak tak «قطره قطره»، terak terak «دارای شکاف‌های متعدد»، čanak čanak «قطعه قطعه»، xap xap «ورقه ورقه، متراکم و پر»، xerak xerak «دوجین دوجین، بر روی هم انباشته»، sem sem «قطرات ریز و کم باران»، šil šil «بریده شده و پر از شکاف»، fax fax «چند گوش»، qāš qāš «دارای شکاف و ترک‌های متعدد»، kod kod «قسمت به قسمت، سهم‌بندی»، kor kor «نق، غرولند»، kal kal «کل کل»، korü korü «دامن دامن (در مقدار)».

borow borow «جاه و جلال، شهرت»، gol gol «تکه تکه، قطعه قطعه»، gal gal «دانه‌های گرد و ریز از طلا که برای تزیین دست و پا و گردن استفاده می‌شود»، lom lom «وسواس، ایرادگیری»، liš liš «ریش ریش شدن گوشت»، mexa mexa «تظاهر به لال بودن هنگامی که فرد قصد ندارد به سوالی جواب صریح بدهد»، mok mok «نق، وسواس»، nek nek «نق، ایراد»، tāti tāti «به کندی قدم برداشتن، آهنگی که با آن بچه کوچک را راه برند»

مقولات بدست آمده از تکرار اسم می‌تواند اسم، صفت، قید و در مواردی اسم صوت/ نام آوا نیز باشد و مفاهیم به کار رفته در این واژگان «نوع، تأکید، ندرت، کثرت، توالی، انبوهی، تشبیه، تعدد و بی‌شماری، تدریج» است.

۳-۱-۲-۲- تکرار صفت

ārum ārum «آرام آرام»، ber ber «خیرگی چشم در حالت تعجب»، bagor bagor «کاملاً سیاه و دارای موهای مجعد»، bayü bayü «گرسنه و منتظر غذا»، pat pat «ریسمان یا موی به هم پیچیده و نامرتب»، para para «پاره پاره»، teriš teriš «پاره پاره»، jald jald «با سرعت و چابکی»، čow čow «کسی که زیاد دروغ می‌گوید»، kapa kapa «شکسته و خورد شده»، letü letü «تکه تکه، پاره پاره»، leta leta «کج و معوج»، lolok lolok «حالت چشم بزرگ و جذاب»، morok morok «بیش از حد ناصاف و ناهوار، گره خورده»، morong morong «نجوای زیر لب که ناشی از اعتراض و ایراد باشد»، pereč pereč «نیمه لال، کسی که هنگام صحبت، زبانش می‌گیرد»، kolü kolü «با یک پا جهیدن».

از تکرار صفت مقولاتی چون اسم، صفت، قید، فعل و در مواردی نام آوا ساخته می‌شود که مفاهیم «تدریج، امر و نهی، جنس، تشبیه، آشفتگی و بی‌نظمی، نوع، کیفیت عمل، تأکید، توالی و استمرار» را نشان می‌دهد.

۳-۱-۲-۳- تکرار قید

takal takal «لحظه به لحظه»، pengü pengü «اندک اندک».

از تکرار کامل قید مقوله قید حاصل می‌شود که بر «توالی و تدریج» اشاره دارد.

۳-۱-۲-۴- تکرار فعل

bešax bešax «بپر بپر»، bodow bodow «بدو بدو»، boleda boleda «بریده بریده».

حاصل تکرار کامل فعل، مقوله اسم می‌باشد که «استمرار و تکرار عمل» را بیان می‌دارد.

۳-۱-۲-۵- تکرار اسم صوت / نام آوا

čak «دو پهلو گفتن و صریح اظهار نکردن»، belak belak «درخشیدن از دور»، pex pex «قطره‌های آب»، zenek zenek «درد زخم»، sok sok «بی تابی و وسواس، نق زدن»، salok salok «یورتمه حیواناتی از قبیل سگ و گرگ»، kereng kereng «سرفه‌های خشک و مقطع»، kakaal kakaal «با صدای بلند و قهقهه خندیدن»، kiš kiš «صدایی که با آن سگ را تحریک به حمله نمایند»، geji geji «در مورد تحقیر و تنبیه گفته می‌شود و این صدایی است که غالباً در پشت سر حیوانات خصوصاً گاو از زبان چوپان شنیده می‌شود»، goromb goromb «صدایی که از طبل و دهل بزرگ بلند می‌شود»، mik mik «ناله کردن و با ناتوانی سخن گفتن»، vor vor «حرکت حشراتی مانند شپش در بدن»، vik vik «صدای ناله از روی ضعف و ناتوانی»، peč peč «نجوا در گوشی»، pik pik «صدای مرغان هنگام اضطراب»، jik jik «صدای گنجشک»، xoč xoč «صدای به هم خوردن عده زیادی حیوان»، xeč xeč «صدای خش خش»، salok salok «یورتمه حیواناتی از قبیل سگ و گرگ»، qot qot «صدای مرغ»، qār qār «صدای کلاغ»، kakar kakar «صدای کبک»، vow vow «صدای سگ»، mot mot «جهیدن مرغ و حشرات»، peng peng «صدای مخصوص کمان حلاجی و صدای هر ساز ناموزونی را گویند»، val val «سروصدا»، čok čok «قبول نکردن و جواب منفی دادن»، kori kori «صدایی که با آن گوسفند را به جلو می‌خوانند»، kerič kerič «صدای اصطکاک قطعات چوبی و صدایی که از تخت برمی‌خیزد»، vez vez «صدای بال زدن زنبور، لرزی که بر تن می‌نشیند».

مقوله حاصل از تکرار نام آوا در زبان لاری، بیشتر نام آوا است اما در مواردی اسم، صفت و فعل نیز دیده می‌شود که در مفهوم و معنی «کیفیت عمل، توالی و استمرار، تعدد و بی‌شماری، تدریج، شدت، افزایش، تحریک، تحقیر، تضعیف، اضطراب، تأکید، بی‌نظمی، آشفتگی و نفی» به کار می‌روند.

۳-۱-۲-۶- تکرار گروه

xowramak xowramak «حالت خواب و بیدار و تشویش در خواب»، ārumak ārumak «آرام و کم کم»، dokow dokow «دولا دولا، خمیده»، arke arke «هر کس هر کس»، arči «هرچی هرچی».

حاصل این نوع از تکرار کامل که از مقوله‌های مختلف دستوری ساخته شده است صفت و قید می‌باشد که مفهوم «تأکید و در مواردی شدت» را بیان می‌دارد.

۳-۲- تکرار ناقص

هرگاه «جزء مکرر که در ابتدا یا انتهای واژه قرار می‌گیرد برگرفته از ساختار صوری پایه باشد و با ایجاد نوعی شباهت که تداعی‌کننده مولفه‌های صوری و تا حدودی معنایی پایه است در این ترکیب شرکت کند» (رضایی کیشه‌خاله و سلطانی، ۱۳۹۴: ۱۰۲) تکرار ناقص رخ داده است که خود به دو گروه تکرار ناقص پیشوندی و تکرار ناقص پسوندی تقسیم می‌شود:

۳-۲-۱- تکرار ناقص پیشوندی

زمانی که واژه مکرر پیش از پایه قرار گیرد تکرار ناقص پیشوندی گویند که حاصل این فرایند الگوهای زیر می‌باشد:

• تکرار پایه با تبدیل همخوان آغازی به -k- + -o- + پایه

kečo beč «بچه و نوه و نواده، زاد و ولد زیاد»

• تکرار پایه با حذف هجای پایانی + پایه

gogorū «موجود خیالی که برای ترساندن بچه است»

در گروه تکرار ناقص پیشوندی پایه اسم است که با تکرار ناقص آن مقوله دستوری اسم ساخته می‌شود و واژگان بر مفهوم «جمع، تصغیر و ترس» دلالت دارند.

• تکرار پایه با حذف واکه پایانی + -va- + پایه

bar va barā «به طرف بالا»

۳-۲-۲- تکرار ناقص پسوندی

در این فرایند جزء مکرر پس از پایه قرار می‌گیرد و به صورت الگوهای زیر نشان داده می‌شود:

• پایه + -o- + تکرار پایه با تبدیل واکه اول به -o-

čarbo čorb «ظرف یا پارچه‌ای که به روغن آلوده شده»، vango vong «سر و صدای

بچه شیرخواره»

• پایه + -o- + تکرار پایه با تبدیل واکه اول به -ü-

jaro jür «دعوا و نزاع»، kajo küj «کج و معوج»، tako tük «کما بیش، تک و توک»

• پایه + -o- + تکرار پایه با تبدیل همخوان آغازی به -p-

soko pok «تحریک»، loko pok «دشنام و سخنان عتاب آمیز»، lako pak «اشیاء از

جنس پارچه، پارچه پاره پاره»

• پایه + -o- + تکرار پایه با تبدیل واکه اول به -o- و اضافه شدن همخوان -n- قبل از همخوان

پایانی

sago song «توله سگ‌های ولگرد، اطفال یتیم و بی‌پناه (به تحقیر)»

• پایه + تکرار پایه با تبدیل واکه اول و دوم به -o-

šalak šolok «گل و لای»، kakal kokol «تنقلات و آجیل بچه‌ها»

• پایه + تکرار پایه با تبدیل همخوان آغازی به -m-

kokol mokol «کوچولو»، kokolü mokolü «خیلی ریز و کوچک اندام»، korok

morok «ناهموار و ناموزون»

• پایه + -o- + تکرار پایه با تبدیل همخوان آغازی به -h-

mālo '(h)āl «گوسفند و چهارپایان»

در گروه تکرار ناقص پسوندی پایه اسم یا صفت است که منجر به ساخت مقوله اسم و صفت می‌شود و مفاهیم «تأکید، شدت، تحریک، تحقیر، تصغیر و تنوع» را بیان می‌دارند.

واژگان مورد بررسی در این پژوهش ۱۵۵ واژه می‌باشد که ۱۳۷ واژه آن تکرار کامل و ۱۸ واژه، تکرار ناقص را شامل می‌شود. در میان تکرار کامل، گروه تکرار کامل نافزوده با بسامد بیشتری نسبت به تکرار کامل افزوده به کار رفته است و در تکرار ناقص، بسامد تکرار ناقص پسوندی بیشتر از تکرار ناقص پیشوندی می‌باشد. با بررسی انواع فرایند دوگان‌سازی در زبان لاری می‌توان قاعده‌های ساخت واژه‌ای زیر را به طور کلی بیان کرد:

- پایه + واژه بست (+ همخوان افزوده / پیشوند) + تکرار پایه

- پایه + تکرار پایه + واکه افزوده / پسوند

- پایه + واژه بست + تکرار پایه + واکه افزوده

- پایه + حرف ربط + تکرار پایه

- پایه + واژه بست + تکرار پایه با تبدیل همخوان / واکه

- تکرار پایه + وند + پایه

- تکرار پایه با تبدیل همخوان + پایه

- تکرار پایه با حذف هجا + پایه

- تکرار پایه با حذف واکه + واژه بست + پایه

۱. در زبان لاری همخوان -h- تلفظ نمی‌شود با این وجود اقتداری لارستانی این واژه را در زبان لاری به صورت mālo o hāl بیان داشته است (اقتداری لارستانی، ۱۳۷۱: ۴۳۸).

۳-۳- ساخت هجایی تکرار کامل و ناقص

این بخش از پژوهش به بررسی ساخت هجای پایه در انواع تکرار کامل و ناقص می‌پردازد که با مشاهده داده‌های موجود، تحلیل آماری از کلمات پایه به کار رفته در فرایند تکرار در زبان لاری به صورت دو جدول زیر ارائه شده است. براساس جدول ۱ می‌توان گفت، بیشترین بسامد را ساختار تک هجایی دارا است که شامل ۸۵ مورد می‌باشد (۴۵ مورد در تکرار کامل افزوده و ۴۰ مورد در تکرار کامل نوافزوده) پس از آن ساخت دو هجایی با بسامد ۴۹ مورد (۹ مورد در تکرار کامل افزوده و ۴۰ مورد در تکرار کامل نوافزوده) و در آخر سه هجایی که با کمترین بسامد در تکرار کامل به کار رفته است (۰ مورد در تکرار کامل افزوده و ۳ مورد در تکرار کامل نوافزوده). یکی از دلایل پربسامد بودن ساختار تک هجایی در مقایسه با دو هجایی و سه هجایی حضور اسم، صفت و نام‌آوایی‌هایی است که بیشتر به صورت CVC در فرایند تکرار آمده‌اند. ساخت تک هجایی CVC با بسامد بالایی در دو نوع تکرار کامل افزوده و نوافزوده به کار رفته است اما با وجود اینکه ساخت دو هجایی CV-CVC در تکرار کامل نوافزوده بسامد بیشتری دارد در تکرار کامل افزوده، بسامد واژگان دو هجایی کمتر می‌شود تا جایی که حتی نمونه‌ای از واژگان سه هجایی در این گروه دیده نمی‌شود.

براساس جدول ۲ در میان داده‌های مورد بررسی تنها ۱۸ مورد تکرار ناقص دیده شده که از میان آن‌ها تعداد تکرار ناقص پیشوندی کمتر از تکرار ناقص پسوندی است و مانند تکرار کامل، در تکرار ناقص نیز ساخت تک هجایی با بسامد بالایی مشاهده می‌شود که براین اساس می‌توان گفت ۱۱ مورد تک هجایی (۱ مورد تکرار ناقص پیشوندی و ۱۰ مورد تکرار ناقص پسوندی)، ۸ مورد دو هجایی (۲ مورد تکرار ناقص پیشوندی و ۴ مورد تکرار ناقص پسوندی) و ۱ مورد سه هجایی (۰ مورد تکرار ناقص پیشوندی و ۱ مورد تکرار ناقص پسوندی) به کار رفته است همچنین هجای CVC در مقایسه با سایر هجاهای بدست آمده با بسامد بالاتری در تکرار ناقص پسوندی دیده شده است.

در تکرار کامل، ساخت هجایی دارای خوشه همخوانی در تک هجایی ۸ مورد و در ساختار دو هجایی ۵ مورد دیده شده اما در واژگان پایه تکرار ناقص تنها دو مورد آن هم در تکرار ناقص پسوندی قابل مشاهده می‌باشد.

جدول (۱) انواع ساخت هجا و بسامد پایه در فرایند تکرار کامل

مجموع	بسامد پایه در تکرار کامل ناافزوده	بسامد پایه در تکرار کامل افزوده	انواع ساخت هجا	
۲	۰	۲	CV	تک هجایی
۷۵	۳۸	۳۷	CVC	
۸	۲	۶	CVCC	
۱۴	۱۱	۳	CV-CV	دو هجایی
۲۴	۲۱	۳	CV-CVC	
۵	۳	۲	CV-CVCC	
۵	۴	۱	CVC-CV	
۱	۱	۰	CVC-CVC	سه هجایی
۱	۱	۰	CV-CV-CV	
۱	۱	۰	CV-CV-CVC	
۱	۱	۰	CVC-CV-CVC	
۱۳۷	۸۳	۵۴	مجموع	

جدول (۲) انواع ساخت هجا و بسامد پایه در فرایند تکرار ناقص

مجموع	بسامد پایه در تکرار ناقص پسوندی	بسامد پایه در تکرار ناقص پیشوندی	انواع ساخت هجا	
۹	۸	۱	CVC	تک هجایی
۲	۲	۰	CVCC	
۲	۰	۲	CV-CV	دو هجایی
۴	۴	۰	CV-CVC	
۱	۱	۰	CV-CV-CV	سه هجایی
۱۸	۱۵	۳	مجموع	

۴. نتیجه‌گیری

با مطالعه فرایند تکرار از حوزه ساخت واژه در زبان لاری می‌توان به این نتیجه رسید که در زبان لاری دو گروه تکرار کامل و تکرار ناقص قابل مشاهده هستند و هر یک به نوبه خود به دسته‌های ریزتر تقسیم می‌شوند؛ تکرار کامل خود به دو دسته تکرار کامل افزوده و نافزوده تقسیم می‌شود که تکرار کامل افزوده نیز به تکرار کامل افزوده میانی، تکرار کامل افزوده پایانی و تکرار کامل افزوده میانی و پایانی تقسیم می‌شوند. همچنین تکرار ناقص نیز به دو گروه تکرار ناقص پیشوندی و تکرار ناقص پسوندی تقسیم می‌شود. در میان واژگان مورد بررسی، نمونه‌ای از تکرار کامل افزوده آغازی یافت نشد اما نمونه‌هایی در این بین دیده شد که می‌توان آن را جزء دسته تکرار کامل افزوده میانی و پایانی به شمار آورد و به نوبه خود دسته‌ای متفاوت می‌باشد که تکواژی دستوری هم در میان واژه و هم در پایان واژه به کار می‌رود. تعداد واژگان ذیل هر یک از الگوهای نوشته شده، دارای تفاوت‌های قابل مشاهده‌ای می‌باشد و براین اساس می‌توان چنین نتیجه گرفت که برخی از الگوهای واژه‌سازی در فرایند تکرار در زبان لاری، در مقایسه با سایر الگوهای ذکر شده، دارای بسامد بیشتری می‌باشند.

در تکرار کامل افزوده میانی، واژگان بیشتر با پی‌بست -o- ساخته شدند که البته در مواردی در کنار این پی‌بست از وجود تکواژ دستوری دیگری در کنار آن خبر می‌دهد برای مثال *ājo vāj* «متحیر و مبهوت»، *šaxo vāšax* «به این طرف و آن طرف جهیدن»، *oško mošk* «ضعیف و لاغر»، *tāro matār* «پراکنده و از هم پاشیده» که به ترتیب -v-، -vā-، -m- و -ma- بعد از پی‌بست -o- آمده و به واژه مکرر متصل شده‌اند. در میان تکرار کامل افزوده، دسته تکرار کامل افزوده پایانی با بسامد بیشتری نسبت به دو گروه دیگر به کار رفته است که از میان همین گروه نیز بیشترین بسامد را الگوهای پایه + تکرار پایه + واکه -i- دارند و همانطور که پیش از این گفته شد در بعضی موارد پسوند -i- و -ī- در واژگان لاری، صفت فاعلی می‌سازند؛ برای مثال *feng fengü* «کسی که هنگام صحبت کردن باد در بینی اندازد» و یا *sok soki* «کسی که زیاد نق می‌زند» واژگانی هستند که با اضافه شدن این پسوندها به آنها، برکننده کار دلالت می‌کنند. در تکرار کامل نافزوده بیشترین مقدار کمی به ترتیب تکرار نام‌آوا، اسم، صفت و قید می‌باشند که در بعضی موارد با تغییر مقوله همراه است. در بعضی موارد ساخت‌هایی بوده‌اند که نمی‌توان پایه آن‌ها را مشخص کرد و در اصل به نوعی نام‌آوا به شمار می‌روند که نمی‌توان برای آن‌ها مقوله خاصی را در نظر گرفت.

نکته دیگری که می‌توان در مورد این واژگان بحث کرد تغییر مقوله واژگان حاصل از فرایند تکرار می‌باشد. در برخی موارد مقوله دستوری پایه و مقوله دستوری واژه حاصل همانند هم هستند و تغییری در آن‌ها صورت نگرفته است مانند pengü pengü «اندک اندک» که هم پایه و هم واژه حاصل هر دو قید محسوب می‌شوند و یا beč «بچه» یک اسم است و حاصل تکرار ناقص آن، که در مفهوم جمع نیز به کار رفته است beč o keč می‌باشد و اسم به شمار می‌رود و یا صفت kokol «کوچک» که با تکرار ناقص آن به صورت kokol mokol «کوچولو» همچنان مقوله صفت بودن خود را حفظ کرده است. معانی تکرار کامل بیشتر در بردارنده توالی، تعدد و بی‌شماری، تأکید و شدت، آشفتگی و بی‌نظمی، تدریج، کیفیت عمل و توصیف حالات روحی و روانی فرد، تردید، کثرت و در مواردی تضعیف و تحقیر می‌باشد اما معانی حاصل از تکرار ناقص بیشتر در بردارنده مفاهیم جمع، تصغیر، ترس و یا تحقیر می‌باشد. همچنین واژگانی هستند که در برخی موارد نمی‌توانند به تنهایی به کار روند و به عبارتی دارای همکرد می‌باشند؛ برای مثال واژگانی چون val val, pex pex, čak čak, xoč xoč, sok sok, pik pik, kerič kerič با فعل kerda به کار می‌روند و یا واژه kot va kot با همکرد šata «پردن» dokow dokow با همکرد čeda «رفتن» استفاده می‌شود.

با بررسی و تحلیل آماری ساختار هجایی پایه به کار رفته در فرایند تکرار می‌توان آن‌ها را به تک هجایی، دو هجایی و سه هجایی تقسیم‌بندی کرد که ساخت تک هجایی CVC با بسامد بالایی در تکرار کامل افزوده و نافزوده به کار رفته است و همان‌طور که اشاره شد، بیشتر شامل مقولات اسم، صفت و نام آوا می‌باشد؛ همچنین در تکرار ناقص نیز CVC بیشترین بسامد را دارا است بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که ساختار تک هجایی به خصوص CVC با بسامد بالاتری به نسبت ساخت‌های دو هجایی و سه هجایی مورد پذیرش واقع شده‌اند. ساخت هجایی دارای خوشه همخوانی نیز با بسامد کمی در تکرار کامل و ناقص به صورت تک هجایی و دو هجایی CVCC و CV-CVCC به کار رفته است.

فهرست منابع

- اقتداری لارستانی، احمد (۱۳۷۱) *لارستان کهن و فرهنگ لارستانی*، چاپ دوم، تهران: جهان معاصر.
- حیدرپور بیدگلی، تهمینه (۱۳۹۰) «رویکرد نظریه بهینگی به فرایند تکرار با نگاهی بر واژه‌های مکرر»، *پژوهش‌های زبان شناسی*، (۱): ۴۵-۶۶.
- خرم‌روز، مروان (۱۳۹۰) *میراث باستان*، شیراز: ایلاف.
- دبیرمقدم، محمد و سیما ملکی (۱۳۹۵) «تحلیل صوری و معنایی فرایند تکرار کامل در زبان فارسی»، *زبان شناسی و گویش‌های خراسان*، (۱۴): ۱-۲۳.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۸) «بررسی معنایی تکرار در زبان فارسی»، *زبان‌شناسی*، (۱): ۶۵-۷۳.
- راسخ‌مهند، محمد و مسعود محمدی‌راد (۱۳۹۲) «بررسی صوری و معنایی تکرار در گویش کردی سورانی»، *زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*، (۳): ۱۳۳-۱۴۶.
- رضایی کیشه‌خاله، محرم و بهروز سلطانی (۱۳۹۴) «بررسی ساخت واژه‌ای، دستوری و معنایی فرایند تکرار در زبان فارسی»، *جستارهای ادبی*، (۱۸۹): ۸۱-۱۱۲.
- رضی‌نژاد، محمد و فریده الله‌یاری (۱۳۹۵) «بررسی فرایند تکرار در زبان کردی در چهارچوب نظریه بهینگی»، *پژوهش‌های زبانی*، (۲): ۵۹-۷۵.
- شقایق، ویدا (۱۳۶۷) «فرایند دوگان‌سازی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران.
- شقایق، ویدا (۱۳۷۹) «فرایند تکرار در زبان فارسی»، *مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس زبان شناسی نظری و کاربردی*، ج ۱، به کوشش سید علی میرعمادی، تهران: علامه طباطبایی. ۵۱۹-۵۳۴.
- شقایق، ویدا (۱۳۸۹) *مبانی صرف*، تهران: سمت.
- شقایق، ویدا و تهمینه حیدرپور (۱۳۹۰) «رویکرد نظریه بهینگی به فرایند تکرار با نگاهی بر واژه‌های مکرر فارسی»، *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، (۱): ۴۵-۶۶.
- شیخ‌سنگ تنجن، شهین (۱۳۹۶) «تکرار در گویش تالشی»، *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*، (۲): ۱۱۵-۱۳۸.
- فیاضی، مریم‌سادات (۱۳۹۲) «تکرار در گویش گیلکی»، *پژوهش‌های زبان شناسی تطبیقی*، (۶): ۱۳۵-۱۵۹.
- کلباسی، ایران (۱۳۸۷) *ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- محمودی بختیاری، بهروز و زهره ذوالفقارکندری (۱۳۹۴) «دوگان سازی کامل در زبان فارسی: یک بررسی پیکره بنیاد»، پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، (۱): ۱۵۱-۱۶۵.
- وفایی، عباسعلی و عبدالله آلبوغبیش (۱۳۹۰) «بررسی روش تکرار در ساخت واژه در زبان فارسی»، پژوهش‌های ادب عرفانی، (۱): ۱-۱۶.

Ghaniabadi, S. Ghomeshi, J. & Sadat-Tehrani, N. (2006) "Reduplication in Persian: A morphological doubling approach", In Proceedings of the 2006 Annual Conference of Canadian Linguistic Association: 1-15.

Ghaniabadi, S. (2005) "Echo reduplication in colloquial Persian: an OT Analysis", Linguistic Analysis, (24): 175-217.

Inkelas, Sh. & Zoll, Ch. (2005) *Reduplication: Doubling in Morphology*, Cambridge University press.

Jackson, A. V. W. (1968) *An Avesta grammar in comparison with Sanskrit. Pt. 1. Phonology, inflection, word-formation; with an introduction on the Avesta*, (1st Pub. 1892) Stuttgart: Kohlhammer.

Katamba, F. (1993) *Morphology*, London: Macmillan press Ltd.

Kirchner Jesse, S. (2010) *Minimal Reduplication*, PhD Dissertation in Linguistics, University of California.

Kulikov, L. (2005) "Reduplication in the Vedic verb: Indo-European inheritance, analogy and iconicity", *Studies on reduplication*, (28): 431-454.

Spencer, A. (1991) *Morphological theory: An introduction to word structure in generative grammar*, Oxford: Blackwell.

Reduplication in Lari

H. Najari, S. Sedighi,

Shiraz University, Shiraz, Iran

Abstract

Sometimes, the speakers of a language form new words in order to express their intended concepts and meanings. In doing so, they tap into and follow some principles and patterns which lead to some processes generally known as word formation processes. Reduplication is one of these processes which is used in most languages. In reduplication, new words are generated when all or part of a word is reduplicated. The present study was undertaken to examine this process, i.e. reduplication in Lari, a language from the southeast of Iran with an ancient history and to explore the word formation and meaning of the words created as a result of this process. The lexicons were collected through library research and were analyzed next. The findings of the study indicate that both total and partial reduplication exist in Lari, and each of these two forms of reduplication has its own sub-categories. Furthermore, during the study, some words were found which could not be used on their own and had to attach to a light verb for them to be used in a sentence.

Keywords: total reduplication, partial reduplication, language of lari, reduplication, Word formation processes
